

عنوان مقاله:

مطالعه ی تطبیقی هملت ماشین مولر و هملت شکسپیر از دریچه ی نظریه ی واسازی دریدا و بینامتنیت ژرار ژنت

محل انتشار:

همایش ملی تئاتر و ارتباط فرهنگی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

حورا حق شنو - دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، موسسه آموزش عالی هنر شیراز

مهدی رنجبر - مدرس موسسه آموزش عالی هنر شیراز

خلاصه مقاله:

رشته ی ادبیات تطبیقی سابقه ی کوتاهی در ایران دارد. علمی نو بنیاد است که مورد غفلت واقع شده و نوعی پژوهش بین رشته ای است که به مطالعه ی رابطه ی ادبیات ملل مختلف با هم و بررسی ارتباط ادبیات با هنرها و علوم انسانی می پردازد. امروزه ادبیات تطبیقی زمینه های مطالعه و پژوهش گسترده ای را به عنوان سنگ بنای «گفتگوی تمدن ها و جهان وطنی» فراهم آورده است. در این میان، هاینر مولر نیز نمایشنامه ی «هملت ماشین» را بر اساس برداشتی واسازی شده از نمایشنامه ی «هملت» اثر ویلیام شکسپیر نوشته است. برداشتی که مقوله ی اقتباس در تئاتر را به جریان تجربه های نو فراخوانده و از دریچه ی انگاره های فیلسوف پساساختگرا، ژاک دریدا آن را از حوزه ی تعاریف نخستین خود خارج کرده و به حیطه ی بینامتنیت می اندازد. نظریه ی بینامتنیت ژرار ژنت نیز نگاهی فراتر از اقتباس داشته و شیوه ی مختلف گفتگوی متونبا یکدیگر را به بحث می گذارد. لذا این پژوهش، با رویکرد نظریه های مذکور و با برشمردن مولفه های شخصیت نمایشی، به روش توصیفی-تحلیلی، با بهره گیری از منابع معتبر علمی و با کمک شیوه ی پرداخت هنری هاینر مولر، علاوه بر ارائه ی تعاریف نظریه ها و خاستگاه آنها، به چگونگی ارتباط هر یک با تئاتر پست مدرن می پردازد. طی این بررسی، می توان نتیجه گرفت که مولر با تکنیک واسازی دریدا از هملت شکسپیر به ارائه ی تبیینی نو و منطبق با جهان پست مدرن دست ساییده و این گونه هملتی فراتر از تصور کلاسیک را به جهان امروز معرفی می کند. نظریه ی ژرار ژنت در حوزه ی بینامتنیت نیز اثبات می کند که هملت ماشین، خوانشی پساساختارگرا از اقتباس است که وی آن را تجربیدی پیش برده تا اثرش را با تعریف نشانه هایی صریحا بصری به عنوان تئاتری معرفی می کند که متن محور نیست و روایت را در عمل شکل می دهد.

کلمات کلیدی:

هملت ماشین، ادبیات تطبیقی، بینامتنیت، واسازی، ژاک دریدا، ژرار ژنت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1307748>

